

فرهنگ اصطلاحات آبادان

احمد کعبی فلاهی

انتشارات تمدن پارس

www.ketab.ir

میر شمیمه، فلاحیه، احمد
 عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ اصطلاحات آبادان / احمد کعبی فلاحیه
 مشخصات نشر: تهران، تمدن پارس، ۱۳۹۱
 مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۸-۲۵-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیب
 موضوع: اصطلاح ها و تعبیر ها - ایران - آبادان
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ / ف۸ / PIR ۸۶۵۷ / ا۲
 رده بندی بیروت: ۰۹۵۵۵۳۷۴ / ۳۹۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۷۰۴۹۲

انتشارات تمدن پارس



فرهنگ اصطلاحات آبادان	کتاب
احمد کعبی فلاحیه	مؤلف
زیباشناسی / فرهنگ عامیانه	موضوع
اول	نوبت چاپ
۱۳۹۲	تاریخ چاپ
۵۰۰ نسخه	تیراژ
انتشارات تمدن پارس	ناشر
۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۸-۲۵-۲	شابک

تهران، خیابان انقلاب، روزنوی دانشگاه تهران، پاساژ فرورداد، انتشارات تمدن پارس.

ذات حقوق برای صاحب اثر محفوظ است.

فهرست

- ۱- پیشگفتار ۱۱
- ۲- شیوه مطالعه فرهنگ ۱۲
- ۳- نگاهی به عناصر زبانی ۱۴
- ۴- نحوه گردآوری ۱۷
- ۵- سیاسنامه ۱۸
- ۶- فرهنگ اصطلاحات آبادان ۲۳
- ۷- معرفی سایر آثار مؤلف ۳۹۰
- ۸- مراکز فروش ۳۹۴
- ۹- پیشگفتار انگلیسی ۳۹۴

نشانه‌های کاربردی :

- نشانه * : آغاز یک مدخل یا ماده جدید.
- نشانه / : علامت تفکیکی دو ماده مشابه مانند پوز/ پیل.
- نشانه « » : توضیحات تکمیلی پیرامون یک ماده خاص.
- نشانه () : جمله شاهد برای یک ماده لغوی یا اصطلاحی.
- نشانه ... : فاصله طبیعی میان اجزای یک جمله یا عبارت.
- نشانه نگا : یعنی نگاه کنید به مورد خاص ارجاع شده.
- نشانه + : بیانگر اجزای یک ماده. «بچکو: بچه+ ک+ و».

اشاره

چندین سال پیش، کتابی از همسین «مولف»، تحت عنوان «واژگان انگلیسی در گویش مردم آبادان» به چاپ رسید، با اینکه نوشته مذکور، چندین بار تجدید چاپ شد، و مطالبی به آن اضافه گشت ولی انچنان که باید و شاید نتوانست تمامی واژگان انگلیسی موجود در «گویش آبادان» را در خود گرد آورد. نگارنده در تمام این مدت، سرگرم پژوهش و جستجوی لغات «از قلم افتاده» بود که بتواند آنها را در شرایط مناسب، ضمیمه سازد. اینک که «فرهنگ کامل اصطلاحات آبادان» در آستانه انتشار قرار گرفته است، نگارنده خرسند است این «مژده» را به خوانندگان بدهد که تمامی واژگان انگلیسی یافته شده، اعم از قدیم و جدید را یکجا در این فرهنگ، ضمیمه نموده است بنابراین به آن دسته از خوانندگان بزرگواری که «فرهنگ اصطلاحات آبادان» را تهیه نموده اند یادآوری می شود که دیگر، نیازی به خرید کتاب قبلی یعنی «واژگان انگلیسی در گویش مردم آبادان» ندارند، مگر آنکه بخواهند آن را «جداگانه» در اختیار داشته باشند. این راهم بیفزاییم که کلمات و اصطلاحات انگلیسی، جزئی از گویش این شهر است. نمی توان از اصطلاحات رایج در آبادان صحبت کرد، بدون آنکه از واژگان انگلیسی سخنی به میان آورده شود. بنابراین ادغام این دو بخش، بسیار طبیعی تر از جداسازی آنها به نظر می رسد.

مولف

پیشگفتار

«فرهنگ اصطلاحات آبادان» از تدوین انبوه فیشهایی که از سال هشتاد و دو به این سو گرد آمده بود، شکل گرفت. هرچند این فرهنگ، صرفاً محدود به آبادان و خرمشهر نمی شود بلکه شامل اغلب شهرهای جنوب غربی خوزستان نیز می گردد. همان طور که می دانید، بافت این منصفه با توجه به فیلد شناخته شده شباهتهای زیادی به هم یافته و در مجموع، وجود مشترک متعددی را فراهم آورده است. یک وجه از این وجود، وجه زبانی این ماجراست. حضور «یکصد ساله» انگلیسیها در آبادان، از آن یک شهر «سهاجر پذیر» ساخت. شهری که قومتهای زیادی به امید زندگی بهتر، در آن پای گذاردند. اینک، حاصل آن، این شد. شهر «هفتاد و دو ملت»! این شهر با یک ترکیب فرهنگی بسیار نادر و منحصر به فرد به زندگی خود ادامه داد هرچند این فرهنگ چند وجهی، تدریجاً به یک فرهنگ مشترک تبدیل شد.

آبادان، بدون تردید نمونه‌ای بسیار جالب از «وامگیری» زبانی است. نه فقط زبان انگلیسی بلکه تمام زبانها یا لهجه‌هایی

که در تکوین مولفه های آن دست داشته اند، در تشکیل این بدنه موثر بوده اند. برآستی چرا هیچ کس از «زبان هندی» حرفی به میان نمی آورد؟ درحالی که هندی، موثرین زبان خارجی بعد از انگلیسی است البته زبان «برمه» ای، تأثیری بر این ماجرا نداشته است. چون همانطور که می دانید، برمه ای ها برخلاف هندیها ارتدط گسترده ای با مردم آبادان نداشتند، آنها تقریباً در یک جامعه «بسته» زندگی می کردند و خود را از آمیزش و اختلاط با مردم دور نگاه می داشتند. بسیار مایل بودم فراغت بیشتری می داشتم تا نمودارهای دقیقتری از تأثیر زبانهای خارجی تهیه می کردم. البته شناسایی این تأثیرات و یا هر عامل موثردیگر در چارچوب نمودارهای رایج نمی گنجد. در همچو وضعی، باید از مقالات تحلیلی زبان شناسان نیز بهره برد، تا به نتایج دقیقتری رسید. درچین شرایطی، بیشتر خواسته ام راه ناهموار را برای دیگران هموار ساخته باشم. بی شک فضای تحقیق برای بسیاری از پژوهشگران همچنان باز است.

شیوه مطالعه این فرهنگ

ما برای مطالعه این فرهنگ توسط مخاطبان کتاب، از روشی «علمی» و درعین حال ساده ای سود برده ایم، که برای هسگان براحتی قابل استفاده است. ابتدا ماده مورد نظر را با حروف سیاه به عنوان یک «سختل» جداگانه آورده ایم. سپس با حرکت گذاری، نحوه تلفظ آن را نشان داده ایم. گاه، تلفظ پاره ای از لغات، علیرغم حرکت گذاری، رسماً به نظر نمی رسیده، در این وضعیت خاص، از کلمه «هم آوا» ی دیگری به عنوان مدل استفاده کرده ایم. مثلاً در مورد کلمه کوچ coach علاوه بر حرکت گذاری، آمده ایم و عبارت «بروزن موج» را هم اضافه نموده ایم. اقداماتی از این دست، مخاطب را مطمئن می سازد که به تلفظ صحیح «ماده» مورد نظر دست یافته است.

علاوه بر آن، جهت تخمین تأیید معنایی هر اصطلاح، از مثالهایی در پایین همان منحل، استفاده کرده‌ایم. این مثالها کاربرد اصطلاحات مورد نظر را روشنتر می‌سازد. بنابراین به خوانندگان توصیه می‌شود مفهوم خاص هر «ماده» را در متن مثالهای ارائه شده جستجو کنند. این گونه جمله‌های تمثیلی که جهت مثال آورده شده‌اند، در میان دو «ابرو» یا برانتر جای داده شده‌اند.

مورد بعدی، تفاوت در «تلفظ» یک واژه انگلیسی در آبادان است. بدیهی است که واژگان هر زبان، بر اثر جریان انتقال به زبان دیگر، دستخوش تغییراتی در نحوه تلفظ خود می‌گردند. از این رو تفاوت‌های احتمالی، نبایست باعث تردید در ریشه یابی بعضی از واژگان بیگانه شوند! مانند «رام سین» که در اصل، «رانگ ساید» (wrong side) بوده است.

صرف نظر از تفاوت‌های «آوایی»، خوانندگان باید مراقب تفاوت‌های مفهومی نیز باشند. مثلا واژه آرتیس در آبادان، صرفا به معنای بازیگر سینماست، در حالی که در زبان انگلیسی، عمدتا به معنای هنرمند است به عنوان مثال «نقاش» هم نوعی آرتیست است یا مثلا واژه agent که در انگلیسی کلا به معنای «نماینده» است، در حالی که در آبادان، صرفا به معنای «پاسبان» است. یعنی دقیقا همان چیزی که ما به نام «آجان» می‌شناسیم!

همان طور که متوجه شده‌اید، در لایه‌ی متن، گاه وبیگاه توجه خواننده را به چند کتاب مشخص ارجح داده‌ایم، که عبارت است از: «آبادان، نفت و دیگر هیچ»، «فونکلور آبادان» و غیره! این کتابها همان گونه که اشاره شد، از نگارنده با مؤلف است. در این خصوص باید یادآور شویم که کتابهای مذکور، نقدا در بازار وجود ندارند بلکه در حال تألیف اند و به زودی در دسترس علاقمندان قرار خواهند گرفت. بدیهی است که خوانندگان کتاب جهت دریافت اطلاعات بیشتر می‌توانند بعدها به عنوان رفرنس مراجعه‌ای به آنها داشته باشند.

بمنوجه به بافت ترکیبی آبادان و خرمشهر، اقوام متعددی در تکوین گویش این دوشهر سهم داشته‌اند. اگرما، مثلا درجایی گفته باشیم که بوشهریها این «طور» تلفظ می کنند، منظور، شهروندان شهرستان بوشهر نیست، بلکه قصد ما، بوشهریهای «مفیم» آبادان است. در مورد سایر اقوام نیز، وضع به همین صورت است. به عنوان مثال اگر در متن کتاب گفته شود که عربها به «hospital»، اسپینارمی گویند، قصد و غرض، اعراب بومی آبادان است و لا غیر! ملاحظه موارد فوق، به شکل فراگیر می تواند خواننده کتاب را مطمئن سازد که تمام جوانب فنی این فرهنگ را دریافته است. این دقیقا همان چیزی است که مولف انتظارش را داشته است. نکته دیگر این است که کتاب حاضر در دو جلد تدوین شده است. جلد اول، همانست که در دست دارید و شامل لغات و اصطلاحات رایج در آبادان و چند شهر پیرامون آن است. جلد دوم، که شامل «اعلام» تاریخی و جغرافیایی است، در آینده منتشر خواهد شد، اگر مثلا روبروی واژه ای چنین نوشتیم: «نگاه اعلام» قصد ما، «ارجاع» خواننده به جلد بعدی جهت «دریافت» اطلاعات بیشتر، پیرامون ماده مذکور است. یادآوری: کلمه «نگاه»، مخفف عبارت «نگاه کنید» است، تا خواننده در متن کتاب، از یک ماده به ماده دیگر جابجا شود مثلا: عروسیه، «نگاه» اوراسیه» (ORC) و غیره!

نگاهی به عناصر زبانی

عناصر زبانی در گویش آبادان؛ کاملا شناخته شده اند. ولی حجم آنها به درستی تخمین زده نشده است. بر همگان مشخص است که چهاربخش یا سکتور زبانی، در این گویش دخالت دارند: اول، زبان عربی که زبان سینا یا «پایه» در گویش مذکور است. لطفاً نمودار «حجم عناصر زبانی» را در صفحات آتی کتاب ببینید. همانطور که می دانید عربی، زبان بومی آبادان است دقیقا مانند زبان سرخپوستانهای امریکا، پیش از ورود مهاجرین «تازه وارد»

عربی به آنجا! ضمناً در «نموداری» که در اختیار دارید سهم زبان عربی به صورت «حجمی»، تخمین زده شده است. این تخمین بر اساس «بسامد» وازگان عربی موجود در گویش آبادانی اتخاذ شده است. البته باید لهجه های وابسته به آن را نیز در نظر داشته باشیم مانند لهجه عربی «بومی» آبادان، لهجه عربی «عراقی» و لهجه عربی «خنجی»، که این سه «لهجه»، کمابیش در تکوین عنصر «اصلی»، که همان «زبان بومی» این شهر باشد دخالت داشته اند. آمیزش این چند لهجه، یک لهجه میانگین برای زبان «عربی رایج» ایجاد نموده است. همان طور که در نمودار می بینید، ثلث پیکره گویش آبادانی، به زبان عربی اختصاص داده شده است. نیازی به یاد آوری است که اعراب بومی آبادان، پیش از «کشف نفت»، از راه کشاورزی، ماهیگیری و تجارت با کشورهای عربی همسایه، روزگار می گذرانند. وطبعاً از زبان و لهجه آنان به خوبی تاثیر پذیرفته اند. این تاثیر پذیری «متقابل» در مبادلات «تجاری» میان مردم بصره و آبادان، و همچنین در روابط فی مابین، بویژه در زمان شیخ خزعل کاملاً مشهود است.

دوم، زبان فارسی و لهجه های وابسته به آن است. پس از شکل گیری شهر آبادان، قومیت های متعددی از مردم جهت کار و درآمد به این شهر سرازیر شدند. مهمترین آنها بوشهریها، لرها، کردها و بلوچها بودند. هر چند، نخواستیم این سایر قومیتها را نادیده بگیریم ولی لهجه های اصلی تاثیرگذار، همانی است که بدانها اشاره شد و لا غیر.

سوم، زبان هندی و لهجه های وابسته بدان است. مانند لهجه اردو «زبان فعلی مردم پاکستان» و لهجه بنگالی «زبان فعلی مردم بنگلادش»... همانگونه که می دانید بنگلادش و پاکستان سابقاً جزئی از خاک کشور هند بودند. در واقع بعد از استقلال آنان از هند بود که لهجه بنگالی، تبدیل به یک زبان «مستقل» شد. در مورد پاکستان نیز وضع به همین صورت بود. زبان اردو قبل

از استقلال پاکستان، یک گویش وابسته به آن منطقه بود. ولی پس از استقلال سیاسی، با فارسی درامیخت و زبان اردو از آن متولد شد و به تدریج رشد کرد تا بدین جا رسید. بنابراین وقتی از زبان هندی سخن به میان آورده می شود، نباید از لهجه های وابسته به آن غفلت نمود و نادیده شان گرفت.

چهارم، زبان انگلیسی و «لهجه» های وابسته به آن است. البته برای ما، لهجه های این زبان، چندان «محسوس» نبوده و نیست. ولی نباید فراموش کرد که چندین کشور، مانند ایران، و نیز، اسکاتلند و غیره، جزئی از همین «بریتانیای کبیر» بوده اند. پنجم، زبانهای متفرقه ای است که چندان تاثیری در تکوین گویش ابدان نداشته، مانند هندی، برسه ای، چینی و غیره ... برای همین، اشاره ای به «تأثیر» آنها در این «نمودار» نشده است. آنچه که می توان صراحتاً بدان «اشاره» داشت در چهار سکتور، صبق نمودار موجود، قابل طرح است. نیاز به یادآوری است که این نمودار، بر اساس «بسامد» های رایج در گویش ابدان تهیه شده است ولی از نظر ریاضی، جنبه ای تقریبی دارد.

بر اساس همین نمودار، می توان درصد زیر را برای حجم واژگان «رایج» در گویش «کونی» ابدان در نظر گرفت:

۱. زبان فارسی و لهجه های وابسته به آن، تقریباً: ۳۰ درصد.
 ۲. زبان انگلیسی و لهجه های وابسته به آن، تقریباً: ۳۰ درصد.
 ۳. زبان عربی و لهجه های وابسته به آن، تقریباً: ۳۰ درصد.
 ۴. زبان هندی و لهجه های وابسته به آن، تقریباً: ۱۰ درصد.
- نمودار صفحه بعد را ببینید و باهم مقایسه کنید. همانطور که اشاره شد، این نمودار بر اساس «بسامد» واژگانی تنظیم شده است. در هر سکتور، حجم هر زبان، به صورت جداگانه نشان داده شده است.